

# تَقْوِيَةُ مَجْتَمَعِي

انسجام اجتماعی به عنوان محرک توسعه

بیانیهٔ جامعهٔ جهانی بهائی خطاب به شصت و سومین

اجلاس کمیسیون توسعهٔ اجتماعی

نیویورک - ۲۲ ژانویهٔ ۲۰۲۵



# تقریر همبستگی

انسجام اجتماعی به عنوان محرک توسعه

اجلاس جهانی توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵، بیانگر خوش بینی عمیقی بود مبنی بر اینکه جامعه بین‌المللی می‌تواند برای پاسخ‌گویی به عمیق‌ترین نیازها و آرمان‌های مردمان جهان گرد هم آید و «رفاه عالم

انسانی به مفهوم واقعی کلمه» را ارتقا بخشد؛ چنان‌که در بیانیه‌ای که در آن زمان از سوی جامعه جهانی بهائی منتشر شد، توصیف شده است.

سند نهایی<sup>۲</sup> آن اجلاس، بر اهمیت حیاتی انسجام اجتماعی در پیشبرد اهداف توسعه تأکید کرد و همچنین ضرورت ریشه‌کنی فقر و گسترش اشتغال مولد را مورد توجه ویژه قرار داد. این سند توجه را به واقعیتی

ریشه بسیاری از چالش‌های جهانی در نوع نگاه انسان‌ها به یکدیگر، ارزشی که برای هم قائل‌اند، شیوه‌ای که به هم واکنش نشان می‌دهند و نحوه ارتباطشان با یکدیگر نهفته است.

۱- بیانیه رفاه عالم انسانی

۲- اعلامیه کینهاگ درباره توسعه اجتماعی

اساسی در جهان معاصر جلب نمود؛ اینکه ریشه بسیاری از چالش‌های جهانی در نوع نگاه انسان‌ها به یکدیگر، ارزشی که برای هم قائل‌اند، شیوه‌ای که به هم واکنش نشان می‌دهند و نحوه ارتباطشان با یکدیگر نهفته است. بنابراین، جامعه جهانی بهائی از موضوع محوری امسال کمیسیون توسعه اجتماعی، به‌ویژه تمرکز آن بر «تقویت همبستگی، شمول‌پذیری و انسجام اجتماعی»، استقبال می‌کند.

شمول‌پذیری اجتماعی، با وجود اهمیت حیاتی‌اش، مدت‌ها است که یکی از عناصر کمتر تعریف‌شده در دستور کار توسعه اجتماعی به شمار می‌رود. بنابراین، جامعه بین‌المللی با نیازی اساسی روبه‌رو است: تعمیق درک نسبت به فرایندی که روابط زیربنایی تار و پود اجتماعی را تقویت می‌کند و همچنین بررسی این نکته که چنین تقویتی چگونه می‌تواند به بهبود محسوس شرایط مادی و اقتصادی جوامع کمک کند. شرایط رو به وخامت جهان امروز، از بسیاری جهات، گواه آن است که جامعه بین‌المللی هنوز به‌طور کامل به تعهدات مطرح‌شده در سال ۱۹۹۵ عمل نکرده است. بنابراین، در آستانه دومین اجلاس جهانی توسعه اجتماعی، شایسته است جامعه

بین‌المللی به مناطقی توجه کند که جوامع در آن‌ها تاب‌آورتر، امن‌تر، منسجم‌تر و سالم‌تر شده‌اند و از این تجربیات درس‌هایی درباره چگونگی ایجاد و تقویت چنین شرایطی بیاموزد. در ادامه، با بهره‌گیری از تجربیات جوامع بهائی در سراسر جهان، نکاتی چند درباره چنین فرایند تحول اجتماعی ارائه می‌شود.

شایسته است جامعه بین‌المللی به مناطقی توجه کند که جوامع در آن‌ها تاب‌آورتر، امن‌تر، منسجم‌تر و سالم‌تر شده‌اند و از این تجربیات درس‌هایی درباره چگونگی ایجاد و تقویت چنین شرایطی بیاموزد.



جوامع می‌توانند با تکیه بر تلاش‌های خود به انسجام و شمول‌پذیری بیشتری دست یابند و در عمل نیز چنین کرده‌اند. اما اجتماع‌هایی که ما در پی ایجاد آن‌ها هستیم، صرفاً در نتیجهٔ طبیعی افزایش دسترسی به منابع مادی پدید نمی‌آیند. اگر چنین بود، ثروتمندترین کشورهای جهان می‌بایست الگوهای از برابری، عدالت، پایداری و انسجام اجتماعی

باشند. در مقابل، چنین خصوصیتی را باید آگاهانه پرورش و در اولویت قرار داد. این نکته به‌طور مستمر در تجربیات سطح مردمی جامعهٔ بهائی در سراسر جهان آشکار شده است. تجربه همچنین درستی این تأکید اعلامیهٔ کپنهاگ دربارهٔ توسعهٔ اجتماعی را، که حدود ۳۰ سال پیش مطرح شد، تأیید کرده است که

جوامع می‌توانند با تکیه بر تلاش‌های خود به انسجام و شمول‌پذیری بیشتری دست یابند و در عمل نیز چنین کرده‌اند.

«جوامع ما باید به‌طور مؤثرتری به نیازهای مادی و معنوی پاسخ دهند.» جوامع بهائی در سراسر جهان می‌کوشند بیاموزند که چگونه می‌توان این دو نیاز را - یکی عینی‌تر و دیگری کمتر ملموس - همراه با هم و در حمایت متقابل از یکدیگر برآورده ساخت. در این زمینه، تجربهٔ یکی از سازمان‌های توسعهٔ الهام‌گرفته از تعالیم بهائی در سطح مردمی، گویا و روشن‌نگر است. این سازمان که فعالیتش به پیشرفت زنان روستایی اختصاص داشت، در ابتدا مجموعه‌ای از خدمات نسبتاً متداول در حوزهٔ توسعه را ارائه می‌داد؛ از جمله آموزش هنر و صنایع دستی، مهارت‌های زیست‌محیطی و کشاورزی، سوادآموزی و آموزش ریاضی، و آموزش‌های فنی در زمینهٔ پخت‌وپز با انرژی خورشیدی، خشک کردن مواد غذایی و تصفیهٔ آب.

این آموزش‌ها مهارت‌هایی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌داد که بی‌تردید سودمند بودند. با این حال، هنگامی که شرکت‌کنندگان به روستاهای خود بازگشتند، روندی پیش‌بینی‌نشده آشکار شد. هرگاه کسب این مهارت‌ها و منابع در بستر وسیع‌تر مشارکت در خیر همگانی درک نمی‌شد، رقابتی نه فقط میان خود شرکت‌کنندگان، بلکه میان آنان و سایر اهالی روستا نیز شکل می‌گرفت، اختلاف‌نظرها و دلخوری‌هایی بر سر اینکه چه کسانی به کدام فناوری جدید دسترسی دارند، صنایع دستی چه کسانی ظریف‌تر یا ساده‌تر است، و چه کسانی در خواندن و حساب کردن ماهرتر یا ضعیف‌تر هستند.

آموزش‌هایی که صرفاً بر رویکرد کسب مهارت‌ها متمرکز بودند، ناخواسته به جای تقویت همبستگی، شمول‌پذیری و انسجام، زمینه‌ساز بروز کدورت، تفرقه و احساس برتری می‌شدند. با درک این واقعیت، برگزارکنندگان تغییراتی در برنامه ایجاد کردند تا در کنار آموزش‌های فنی و علمی، اصول معنوی و اخلاقی نیز به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله اینکه راستی و صداقت زیربنای تعامل اجتماعی سالم است،

شکوفایی جمعی در پرتو عدالت، سخاوت، همکاری و یاری متقابل محقق می‌شود، و هرگونه تعصب مانعی جدی در مسیر پیشرفت نوع بشر است. تجربه بارها نشان داده است که هرچه این اصول بیشتر در روابط میان افراد نفوذ کند، جوامع نه تنها منسجم‌تر می‌شوند، بلکه از توان فزاینده‌ای برای تحقق اهداف توسعه اجتماعی و اقتصادی خود برخوردار می‌گردند.

با درک این واقعیت، برگزارکنندگان تغییراتی در برنامه ایجاد کردند تا در کنار آموزش‌های فنی و علمی، اصول معنوی و اخلاقی نیز به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد...



پیوند میان اصول اخلاقی یادشده و اهداف توسعه اجتماعی زمانی روشن تر می شود که بخش گسترده تری از جمعیت در مسیر به کارگیری این آرمان ها، از طریق خدمت به دیگران و اجتماع گام بردارند. تلاش های جامعه بهائی در این راستا بر فرایندی جهانی و غیرمتمرکز از آموزش، تربیت و توان افزایی استوار بوده است؛ فرایندی که رشد اخلاقی کودکان و نوجوانان را تقویت می کند و به شمار فزاینده ای از جوانان و بزرگسالان امکان می دهد تا کاربرد اصول اخلاقی و معنوی را در زندگی روزمره و در رویارویی با چالش های پیش روی اجتماع بررسی کنند.

این فرایند به صدها هزار نفر یاری رسانده است تا در محل زندگی خود، انواع گوناگونی از اقدامات جامعه سازی را شکل دهند و تداوم بخشند و در هر مقطع زمانی پذیرای مشارکت حدود دو میلیون نفر از همسایگان، دوستان، اعضای خانواده و همکاران خود باشند. مقیاس و گستردگی این الگوی فعالیت در سطح محلی، طبیعتاً از منطقه ای به منطقه دیگر متفاوت است. با این حال، در برخی مناطق، در محدوده جغرافیایی نسبتاً کوچکی بیش از ۵۰۰۰ فعالیت جامعه سازی به طور مستمر جریان دارد و زندگی بیش از ۲۰،۰۰۰ نفر از اعضای جامعه خود را تحت تأثیر قرار داده است. مناطقی که توانسته اند چنین الگویی از فعالیت را تداوم بخشند، نمونه های روشنی از شیوه های متعددی به دست می دهند که همبستگی، شمول پذیری و انسجام می تواند به طور ملموس در یک جامعه تجلی یابد.

برای نمونه، جوانان و نسل های قدیمی تر الگوهای جدیدی از تعامل مبتنی بر همکاری ایجاد می کنند. توانمندی برای گفت و گوی سازنده افزایش می یابد و فضاهای تازه ای برای مشورت هدفمند پدیدار

۱- به سوی جهانی بهتر: رویکرد جامعه جهانی بهائی به توسعه اجتماعی و اقتصادی

می‌شود. گفت‌وگوهایی پرنشاط میان والدین دربارهٔ آرزوهایشان برای فرزندان خود شکل می‌گیرد. نشانه‌های برابری زنان و مردان آشکارتر می‌گردد و احساس مسئولیت نسبت به محیط‌زیست فراگیرتر می‌شود. حتی شکل‌های گوناگون تعصب و تبعیض که گریبان‌گیر هر اجتماعی است، به تدریج جای خود را به پیوندهای هر چه قوی‌تر و وحدت می‌دهد. این‌ها صرفاً امیدها و آرمان‌هایی دست‌نیافتنی نیستند، بلکه نتایج عینی و ملموسی هستند که در شمار روزافزونی از محله‌ها و روستاها در تقریباً تمامی کشورهای جهان به ثبت رسیده‌اند. ظهور این نتایج گواه آن است که تحول معنادار امکان‌پذیر است و می‌توان آگاهانه برای پیشبرد آن گام برداشت. این امر همچنین دعوتی است برای آنکه تلاش‌ها در مسیر تقویت همبستگی، شمول‌پذیری و انسجام اجتماعی در مناطق بیشتری گسترش یابد. تحقق این هدف مستلزم مشارکت افرادی در سطوح ملی و بین‌المللی است که می‌توانند نقشی مؤثر در رفع موانع موجود و ایجاد سیاست‌ها و شرایط مناسب برای چنین توسعه‌ای ایفا کنند.



همزمان با تسریع مقدمات برگزاری دومین اجلاس جهانی توسعه اجتماعی، بیش از پیش آشکار می‌شود که رفاه بشر به همان اندازه که به عوامل فناورانه، مادّی و مالی وابسته است، به عوامل اجتماعی، اخلاقی و ارتباطی نیز بستگی دارد. شمار فزاینده‌ای از مردم، در نگاه به اجتماع خود، علاوه بر دشواری‌های مادّی، شاهد افول معیارهای بنیادین اخلاقی و کاهش توانمندی برای گفت‌وگو با حسن نیت هستند.

آنان همچنین مشاهده می‌کنند که رهبران و نهادهای گوناگون، به دلیل فساد و ناکارآمدی، اعتبار خود را از دست داده‌اند و درمی‌یابند که معیارهای درست

رفاه بشر به همان اندازه که به عوامل فناورانه، مادّی و مالی وابسته است، به عوامل اجتماعی، اخلاقی و ارتباطی نیز بستگی دارد.

بسیاری به این باور رسیده‌اند که تحقق توسعه اجتماعی معنادار، در نهایت بدون پرورش صفاتی چون درستکاری و صداقت، سخاوت و همدلی، همکاری و احساس مسئولیت در قبال رفاه جمعی امکان‌پذیر نیست.

و نادرست، حقیقت و کذب، به تدریج بی‌اهمیت شمرده شده و جای خود را به منفعت‌طلبی و قدرت‌طلبی داده‌اند. در نتیجه، بسیاری به این باور رسیده‌اند که تحقق توسعه اجتماعی معنادار، در نهایت بدون پرورش صفاتی چون درستکاری و صداقت، سخاوت و همدلی، همکاری و احساس مسئولیت در قبال رفاه جمعی امکان‌پذیر نیست.

ویژگی‌هایی از این دست، اجزای سازنده یک نظم اجتماعی باثبات و شکوفا هستند و در ایجاد جوامعی پویا و پرنشاط نقشی حیاتی دارند؛ جوامعی که می‌توانند به شکل مؤثرتری وعده‌های والای توسعه اجتماعی را محقق سازند. بنابراین، در سال‌های پیش رو، دست‌اندرکاران توسعه در تمامی سطوح باید تمرکز ویژه‌ای بر این موضوع داشته باشند که چگونه می‌توان الگوهای نوینی از تعامل را در خانواده، محله، روستا، مدرسه، محل کار و مناطق شهری ایجاد نمود که بازتاب‌دهنده این ویژگی‌ها باشند. چرا که هرگاه جوامع، الگوهای زندگی جمعی یادشده در بالا را به نمایش می‌گذارند، شاهد حرکت آن‌ها در مسیر تحقق والاترین اهداف برنامه توسعه اجتماعی هستیم.





Bahá'í  
International  
Community

Copyright © 2024 Bahá'í International Community

866 United Nations Plaza, Suite 120

New York, NY 10017, USA

[www.bic.org](http://www.bic.org)